

زبان اقیانوس عظیمی است



گفت‌وگو با احمد وحدت‌تربیتی، مدرس زبان انگلیسی

احمد وحدت تربیتی: هر زبانی ریزه کاریها و نکات بسیار ویژه‌ای دارد که آموختن آن‌ها مطالعه مداوم را می‌طلبد!



Roshd & Teachers

■ احمد وحدت‌تربیتی از زبان خودش

□ احمد وحدت‌تربیتی، مدرس زبان انگلیسی هستم. در سال ۱۳۱۳ در تربت حیدریه متولد شدم. خانواده‌ام در زمان طفولیت من، در سیستان و بلوچستان ساکن شدند. تحصیلات من تا گرفتن دیپلم پنجم نظام قدیم، در خاش و زاهدان گذشت. سال ششم به تهران آمدم و به دارالفنون رفتم. از آن‌جا که به زبان انگلیسی علاقه وافری داشتم، به دانش‌سرای عالی تهران رفتم و در رشته آموزش زبان فارغ‌التحصیل شدم.

در سال ۱۳۳۸، به‌منظور خدمت در مناطق محروم، داوطلبانه به ایرانشهر رفتم و به تدریس زبان پرداختم. طولی نکشید که به علت نیاز، مرا به مرکز استان، یعنی زاهدان منتقل کردند. خاطره خوشی که از اولین مأموریت فرهنگی دارم این است که دریافتم محصلین قدر زحمات دبیران خود را می‌دانند و این موضوع هیچ ربطی به وضع مالی خوب یا بد آنها ندارد. شاگردانم وقتی شنیده بودند که مرا به زاهدان منتقل کرده‌اند، به‌عنوان

اعتراض فاصله نسبتاً طولانی دبیرستان تا اداره آموزش و پرورش را پیاده طی کرده بودند (درحالی که بعضی از آنها پابره‌نه بودند و کفش به پا نداشتند) و در آن‌جا سؤال کرده بودند: چرا فلانی را منتقل کرده‌اید؟ در اداره به آنها گفته بودند این تصمیم را مرکز استان گرفته است و ما ناچار تابع اداره کل هستیم. و اضافه کرده بودند این انتقال موجب ترقی او خواهد شد. بچه‌ها گفته بودند: «اگر این کار باعث پیشرفت ایشان می‌شود، ما حرفی نداریم...»

این اولین تجربه آموزشی به من نشان داد که دانش‌آموزان تشخیص خوبی دارند و قدر مهربانی و محبت و زحمات دبیران خود را می‌دانند.

در سال ۱۳۴۴، با گذراندن امتحان و با استفاده از بورس تحصیلی، برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شدم و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در سال ۱۳۴۵ به تهران برگشتم. غیر از تدریس زبان انگلیسی که کار دائمی و موجب افتخار

می‌افتد که زبان آموزان نیز به مطالب تازه و تجربیات جدیدی دست می‌یابند. گاهی حتی از کودکان نیز می‌توان مطلبی آموخت. یک‌روز از یک کودک پنج ساله که در خارج از کشور به مدرسه می‌رفت پرسیدم در چه کلاسی درس می‌خواند.

- What grade are you in?

در پاسخ گفت:

- I'm in reception class.

معانی فارسی را که برای «reception» می‌دانستم، هم‌چون پذیرش، دریافت، قبول و غیره مرور کردم. آن معانی کارساز نبودند. فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی نیز چیزی را نشان نمی‌دادند. تنها در «فرهنگ انگلیسی به فارسی حق شناس» معادل و معنی «کلاس آمادگی» را یافتم. خلاصه آن‌که یک پسر پنج ساله موجب آن شد که من معلم، معادل فارسی یک کلمه انگلیسی را یاد بگیرم.

■ **ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی وی چگونه باید باشد؟**
□ به عقیده من اصول مشترکی وجود دارند که همهٔ معلمان موجه باید داشته باشند؛ هم‌چون نشاط داشتن، خوش‌بین بودن، وظیفه‌شناسی، وقت‌شناسی و اهل مطالعه بودن. از همه مهم‌تر عشق به معلمی که سرآمد همهٔ ویژگی‌هاست.

روح پدرم شاد که فرمود به استاد
فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ
دیگر آن‌که جنبهٔ تخصصی آن
مستلزم مطالعه و بررسی مداوم
است. هر زبانی ریزه‌کاریها و دقایق
بسیار ویژه‌ای دارد که آموختن آنها
مطالعهٔ مداوم را می‌طلبد. یعنی

درواقع هیچ‌کس، هیچ‌وقت فارغ از تحصیل نمی‌شود و همواره مطالب بسیاری برای آموختن هست.

دیگر آن‌که در کل مسئلهٔ آموزش و پرورش، ما هرگز به مرحلهٔ کمال مطلوب نمی‌رسیم و همیشه جا برای بیشتر کار کردن و بهتر تدریس کردن وجود دارد. هرگز نمی‌توانیم ادعا کنیم که این روش تدریس من، بهترین روش است. همواره نیاز به بهتر درس دادن و مطالعهٔ بیشتر وجود دارد. خلاصه آن‌که زبان اقیانوس عظیمی است که ما فقط به اندکی از آن دست می‌یابیم.

■ **به نظر شما چه عواملی در رشد مهارت‌های حرفه‌ای شما بیشتر مؤثر بوده‌اند؟**

□ پاسخ مختصر آن، «مکاتبه» است. توضیح آن‌که وقتی از دانش‌سرای عالی تهران به اصطلاح فارغ‌التحصیل شدم، به تدریس پرداختم؛ ۲۲ ساعت تدریس موظف و مطالعه برای

من است و تا آغاز سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، پنجاه و دو سال در دبیرستانها، مراکز تربیت معلم و دانشگاهها به تدریس آن اشتغال داشتم. ۲۲ سال آن در مراکز تربیت معلم گذشته است و تقریباً تمام درسهای انگلیسی آن را تدریس کرده‌ام. اکنون می‌توانم با سربلندی بگویم که در بسیاری از شهرهای کشور عزیزمان، دبیران زبان دورهٔ راهنمایی تحصیلی بسیاری هستند که قبلاً دانشجوی من بوده‌اند و اکنون در زمرهٔ دوستانم هستند و به وجودشان افتخار می‌کنم. در این ۵۲ سال، علاوه بر تدریس زبان که سرلوحهٔ فعالیت‌های من بوده است، این کارهای فرهنگی را نیز به انجام رسانده‌ام:

۱. شرکت در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلمهای آموزشی «جشنوارهٔ رشد». از ۴۰ سال جشنواره‌های مذکور، در ۱۰ جشنواره، یعنی در یک‌چهارم آنها دبیر اجرایی جشنواره بوده‌ام. در کتابی که اخیراً (۱۳۸۹) وزارت آموزش و پرورش با عنوان «تاریخچهٔ ۴۰ دوره برگزاری جشنوارهٔ بین‌المللی فیلمهای علمی، آموزشی و تربیتی رشد» منتشر کرده، این موضوع ذکر شده است.

۲. به خاطر سالهای متمادی تدریس در «مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین» هفته‌ای یک‌روز در تهران، در جلسهٔ

” به عقیدهٔ من اصول مشترکی وجود دارند که همهٔ معلمان موجه باید داشته باشند؛ هم‌چون نشاط داشتن، خوش‌بین بودن، وظیفه‌شناسی، وقت‌شناسی و اهل مطالعه بودن. از همه مهم‌تر عشق به معلمی که سرآمد همهٔ ویژگی‌هاست

برنامه‌ریزی زبان به‌عنوان کارشناس در دفتر تألیف «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» شرکت داشتم که سالها ادامه یافته است.

۳. در سال ۱۳۷۵ «کانون زبان ایران» را در استان قزوین تأسیس کردم و تا سال ۱۳۸۳ مدیر این مؤسسه بوده‌ام.

۴. هم‌اکنون نیز مدیریت آموزشی بخش زبان «IT» را در استان قزوین به‌عهده دارم.

من معتقدم آدمی تا زنده است باید فعال و مؤثر باشد.

■ **به نظر شما معلم زبان باید از چه صلاحیتهای حرفه‌ای برخوردار باشد؟**

□ به نظر من معلم زبان باید همواره به مطالعه بپردازد و هرگز به آن‌چه می‌داند بسنده نکند. ضمناً توجه داشته باشد که همواره این او نیست که به محصلین خود درس می‌دهد. بسیار اتفاق

آمادگی دروس که تمام وقت مرا پر نمی کرد. محیط کوچک ایرانشهر ۵۲ سال قبل را در نظر بگیرید. بقیه وقت اضافی را چگونه باید پر می کردم؟ یا باید من هم هم چون بعضی از کارکنان دولت، خدای نکرده به قمار، اعتیاد و سایر امور بی حاصل و مضر روی می آوردم و یا باید راهی منطقی در پیش می گرفتم. این بود که به مکاتبه انگلیسی روی آوردم. به چندین انجمن زبان آموزی داخلی و خارجی نامه می نوشتم. مثلاً از «British Council» خواستم یک مجموعه از سخنرانیهای استادان انگلیسی را که ضبط شده برایم بفرستند. در آن زمان نوارهای ضبط صوت به صورت نوارهای کاست رایج نشده بود.

بعضی از آن مؤسسات شرایطی قائل شدند. از جمله گفتند باید یک هفته بعد از دریافت، حتماً نوار را برگردانم. تعهد کردم که این کار را خواهم کرد. به هر حال اعتماد آن ها را جلب کردم و من که تازه از دانشگاه به اصطلاح فارغ التحصیل شده بودم و تجربه و معلومات کافی نداشتم، بعداً با دریافت نامه های متعدد مجبور شدم هفته ای چندین نامه انگلیسی بنویسم. خود این نامه نوشتن ها، برایم نوعی تمرین مفید بود و گوش دادن به نوارهای صوتی استادان نیز به سرعت فهم مطالب، تلفظ درست و درک مطلب شنیداری من کمک می کرد. در نتیجه، سالی که امتحان اعزام دادم (۱۳۴۴)، یکی از معدود دبیران زبانی بودم که توانستم برای ادامه تحصیل بالاتر از بورس تحصیلی استفاده کنم. شکی ندارم که همین فعالیت های فردی بعد از دانشگاه بود که به موفقیت من منجر شد.

■ به نظر شما مجله رشد آموزش زبان چه اهدافی را باید دنبال کند؟ به عبارت دیگر، به عنوان دبیر زبان، مجله ای که در آموزش و پرورش چاپ می شود، چگونه می تواند انتظارات شما را برآورده سازد؟

□ رشد آموزش زبان در حال حاضر زبان های انگلیسی، آلمانی و فرانسه را دربرمی گیرد و مقالات آن باید در سطح نگارش متوسط باشد (نه به زبانی ساده و نه بسیار مشکل) و مسائلی را که مربوط به مهارت های تدریس زبان است، مطرح کند. بدیهی است که در مقالات مذکور باید مراحل چهارگانه و بسیار مهم تدریس همواره در نظر باشد. ضمناً حاوی خبرها و هدفها و نقطه نظرهای وزارت آموزش و پرورش نیز باشد و حاصل تحقیقات محققان و متخصصان آموزش و پرورش را در مورد تدریس زبان منعکس سازد. غیر از مطالب جدی به طنز نیز بپردازد که اخیراً خوش بختانه با چاپ مقالات

«English Through Fun» این مهم انجام شده است.

■ چه بخش هایی از مجله را مفید ارزیابی می کنید و برای معلمان کاربردی تر می دانید؟

□ هر شماره مجله به طریقی خاص طبقه بندی شده است و نمی توان در این مورد نظری کلی داد. نکاتی بیشتر کاربردی هستند که تا حدی به کتاب های درسی مربوط و راه گشای

بسیار اتفاق می افتد که زبان آموزان نیز به مطالب تازه و تجربیات جدیدی دست می یابند. گاهی حتی از کودکان نیز می توان مطلبی آموخت

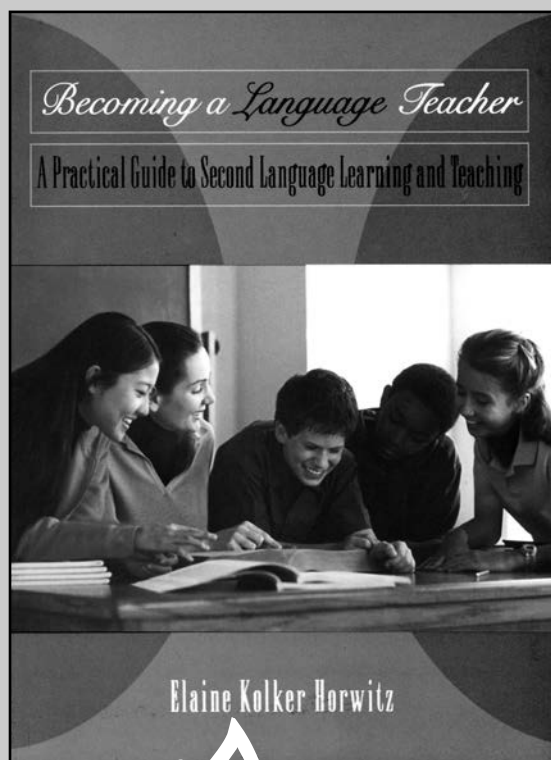
دبیران باشند. کاش می شد موضوعات را طوری طبقه بندی کرد که بخشی فقط درباره تدریس درس های کتاب های درسی باشد و معدودی از مقالات هم در سطحی بالاتر و در سطح کارشناسی ارشد و دکترا باشند.

■ در رشد آموزش زبان، به چه زمینه هایی از آموزش زبان بیشتر پرداخته شده است و به چه زمینه هایی کمتر؟

□ طبیعت و طبقه بندی مقالات هر شماره مجله با شماره های دیگر کاملاً یکسان نیست. آن چه که جای بحث و گفت و گو ندارد این است که باید به تمام مراحل چهارگانه زبان آموزی اهمیت داده شود.

■ از چه راه هایی می توان فرهنگ مطالعه منابع تخصصی را بین دبیران زبان اشاعه داد؟

□ وقتی خیال معلم از تأمین معاش راحت باشد، آن گاه باید به بالا بردن معلومات خود اقدام کند. باید پذیرفت که معلم نمی تواند همه کتاب های مورد نیاز را شخصاً تهیه کند. باید کتابخانه هایی در محل کارش و یا در محله و خیابان نزدیک به محل سکونتش وجود داشته باشند تا بتواند کتاب های لازم را به امانت بگیرد. آموزش و پرورش نیز باید کتاب های لازم را به معلمان هر رشته پیشکش کند. در گذشته تمامی کتاب های راهنمای تدریس به رایگان در اختیار معلم قرار می گرفت. مثلاً در مورد زبان نه تنها کتاب های روش تدریس به رایگان در اختیار معلم قرار می گرفت، همه لوحه های تدریس نیز مجانی بود. اکنون هم مدرسه می تواند مطالب لازم را تهیه کند و در اختیار معلم بگذارد. این کار نوعی کمک معنوی به معلم است. وقتی ابزار و لوازم لازم را در اختیار او بگذاریم، آن وقت می توانیم به صورت جدی از او توقع داشته باشیم از آنها در تدریس خود استفاده کند. گاهی نیز علاقه مندی وافر تمامی مشکلات را حل می کند.



Becoming a Language Teacher is a ground-breaking resource in an era when mainstream classroom teachers must focus on language development. Unlike other methods books which concentrate on language for conversational purposes only, *Becoming a Language Teacher* recognizes that academic literacy is the goal of many language teachers and essential to the school success of English Language Learners.

■ مجله رشد آموزش زبان تا چه حد در ارتقای مهارت‌های

حرفه‌ای و شغلی شما مؤثر بوده است؟

□ باید بگویم من از اولین شماره مجله رشد آموزش زبان از نزدیک شاهد تلاش‌های آقای دکتر جلیل صادقیان بودم و هرگز چهره نجیب و رفتار پسندیده ایشان را فراموش نمی‌کنم. اوایل در هر شماره خودشان نیز سرمقاله‌ای داشتند که حاوی تجربیات آموزشی خود ایشان بود. آن مقالات هیچ‌وقت کهنه نمی‌شوند و همواره می‌توانند راه‌گشای دبیران باشند.

■ آیا در زمینه‌های آموزش و یادگیری زبان خارجی

تألیفاتی داشته‌اید؟

□ باید اذعان کنم که تألیف قابل ذکری ندارم. حاصل کارم چند ترجمه است که در مجله ادبی یغما به چاپ رسیده و چند جزوه در مورد سؤالات امتحانی است. یکی دو مقاله در مجلات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان و مقاله‌ای هم در مجله تربیت معلم به چاپ رسانده‌ام.

■ چه توصیه‌هایی برای بهبود وضعیت آموزش زبان

خارجی در نظام آموزشی کشور دارید؟

□ سؤال مهمی را مطرح کردید. متأسفانه وضعیت آموزش زبان در ایران موفقیت‌آمیز نبوده است. عوامل مهم در تدریس زبان، معلم زبان، کتاب زبان و زبان‌آموزان هستند که من در مورد هر کدام مطالبی دارم، اما در این‌جا چنین فرصتی و مجالی نیست. مطرح کردن آنها را به زمانی دیگر موکول می‌کنم.

■ چه پیشنهاداتی برای بهتر شدن مجله دارید؟

□ مجله اکنون نکات مثبت بسیاری دارد، اما من نیز یکی دو مطلب جدید پیشنهاد می‌کنم که در صورت تصویب در هیئت تحریریه مجله، لطفاً به انجام آن بپردازید:

صفحه‌ای به نام پرسش و پاسخ در مجله داشته باشید و استادان محترم به مشکلات دستوری و غیره پاسخ دهند. این‌گونه پرسشی و پاسخ‌های فردی می‌تواند برای دیگران نیز مشکل‌گشا باشد. مثلاً خود من با توجه به تعریفی که از صفت و قید می‌کنیم، مدت‌ها در این تردید بودم که آیا «I feel good» صحیح است، یا «I feel well». بعدها متوجه شدم که «I feel good» مصطلح است. مجله می‌تواند در صفحاتی بهترین ترجمه‌ها را به صورت مقایسه‌ای در کنار هم منتشر سازد. این کار می‌تواند یک بند و یا یک پاراگراف باشد. مثلاً چند مترجم ممکن است به ترجمه «هملت» اثر شکسپیر بپردازد. مشخص است که متن ترجمه یکی است، اما ترجمه‌ها متفاوت‌اند. آن‌گاه استادان گرامی یکی از این ترجمه‌های فارسی را از میان بقیه انتخاب کنند. استدلالها و بررسی معانی لغات توسط استادان، موجب یادگیری خوانندگان خواهد شد.